

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## فرهنگ‌نویسی برای زبان‌های ایرانی میانه: فرهنگ کتیبه‌های فارسی میانه اشکانی (پارتی)

شیما جعفری دهقی

استادیار زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه ولایت، ایرانشهر

Email: sh.jaafari@velayat.ac.ir

### چکیده

امروزه در نتیجه کشف و بازخوانی کتیبه‌های فارسی میانه و ویرایش و ترجمه آنها، واژه‌های تازه‌ای نیز گردآوری شده است. هدف این پژوهش، بررسی فرهنگ‌های موجود برای زبان فارسی میانه اشکانی و ارائه راه‌کارهایی برای فرهنگ‌نویسی برای این زبان با توجه به اصول فرهنگ‌نویسی نوین است. برای دستیابی به این هدف، ابتدا تمامی فرهنگ‌های موجود گردآوری و بررسی شدند. سپس، پیشنهادهایی برای تهیه فرهنگ‌های تازه ارائه شد. نتایج نشان می‌دهد با توجه به پیشرفت در خوانش و مطالعه کتیبه‌های اشکانی و فارسی میانه، فرهنگ‌های تازه‌ای می‌بایست برای کتیبه‌های اشکانی فراهم شود.

کلمات کلیدی: فرهنگ‌نویسی، زبان‌های ایرانی میانه، فارسی میانه اشکانی، پارتی.

### ۱. مقدمه

پژوهشگران امروزه زبان‌های ایرانی را از دیدگاه تاریخی به سه دوره تقسیم می‌کنند: زبان‌های ایرانی باستان، زبان‌های ایرانی میانه و زبان‌های ایرانی نو. زبان‌های دوره باستان به زبان‌هایی گفته می‌شود که از قدیم‌ترین زمان تا پایان فرمانروایی هخامنشیان کاربرد داشته است. در این دوره چهار زبان می‌شناسیم که زبان مادی، سکایی، فارسی باستان و اوستایی نامیده می‌شوند و از این چهار زبان از دو زبان فارسی باستان و اوستایی آثار نوشته شده برجای مانده است و تنها فارسی باستان است که آثار کتیبه‌ای دارد. زبان‌های ایرانی میانه یعنی زبان‌هایی که از پایان دوره هخامنشی تا دوره اسلامی رواج داشته است، از نظر ویژگی‌های زبانی به دو گروه غربی و شرقی بخش می‌شوند. از گروه غربی دو زبان پارتی یعنی زبان رایج در دوره اشکانیان (حدود ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی)، و زبان فارسی میانه یعنی زبان رایج در دوره ساسانیان آثار کتیبه‌ای و کتابی دارند. البته این تقسیم‌بندی زمانی برای آسانی کار پژوهش است و گرنه سنت نگارش به برخی از زبان‌های میانه به ویژه فارسی میانه، تا حدود سده چهارم هجری در ایران رواج داشته است. نکته دیگر آن که این دو زبان به نام‌های به ظاهر متفاوتی در میان پژوهشگران کاربرد دارند. زبان پارتی، پهلوی و پهلوی اشکانی برای زبان رایج در دوره اشکانی و فارسی میانه (چون حداقل میان فارسی باستان و نو است)، پهلوی ساسانی و گاه پهلوی یا پارسی برای زبان رایج در دوره ساسانیان که اصلاً در جنوب و جنوب غربی ایران گفتگو می‌شده، معمول است. گروه شرقی زبان‌های میانه،

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بر گروهی از زبان‌ها اطلاق می‌شود که به سبب پاره‌ای تفاوت‌های آوایی و دستوری از گروه غربی متمایز می‌شوند. این زبان‌ها عبارتند از سغدی، خوارزمی، بلخی و ختنی (سکایی).

اوستایی، چنان‌که از نامش پیداست، زبان /اوستا/، کتاب مقدس زردشتیان است. /اوستا/ در واقع مجموعه‌ای متنوع از متون دینی است که در دوره‌های مختلف، در مناطق مختلف و توسط اشخاص مختلف پدید آمده است. از این رو، دست کم دو گویش متفاوت را می‌توان در آن شناسایی کرد: یکی گویش اوستایی کهن یا به اصطلاح گویش گاهانی، و دیگری گویش اوستایی متاخر یا جدید (رضایی باغبیدی ۱۳۹۹: ۲۳). متون گاهانی شامل گاهان، یسن‌های هپتنگه‌ییتی و چهار دعای مذکور در یسن ۲۷ است. /اوستای/ متاخر شامل قسمتی از یسن‌ها، ویسپرد، خرده‌اوستا، یشت‌ها، وندیداد، هادخت‌نسک، اوگم‌دیچا، ویثانسک، آفرین پیغامبر زردشت و وشتاسب‌یشت است. در این بخش‌های /اوستا/ با دین زردشتی متاخرتر روبرو هستیم. پس از زردشت و شاید در همان زمان او، بسیاری از عقاید قدیم ایرانی و هندوایرانی که در نیایش‌ها و آیین‌های دینی خدایان قدیم منعکس بود، همراه با اسطوره‌ها و افسانه‌های این خدایان یا آیین‌های دینی خدایان قدیم منعکس بود (تفضلی ۱۳۷۵: ۳۹).

فارسی باستان زبان مادری شاهنشاهان هخامنشی بود. آثار بازمانده از شاهنشاهان هخامنشی گاه یک‌زبانه (غالباً فارسی باستان)، گاه دوزبانه (فارسی باستان به همراه ترجمه ایلامی یا بابلی)، بیشتر سه‌زبانه (فارسی باستان، ایلامی و بابلی) و به ندرت چهارزبانه (فارسی باستان، ایلامی، بابلی و مصری باستان به خط هیروگلیف) هستند. این آثار به دلیل آن‌که از دخل و تصرف کاتبان و حذف و اضافات بعدی مصون مانده‌اند، اسناد تاریخی و زبانی بسیار باارزشی به شمار می‌روند (رضایی باغبیدی ۱۳۹۹: ۳۵). کتیبه‌های هخامنشی در عین اختصار و کوتاهی و با آن‌که غالباً ساختی همسان دارند به نظر می‌رسد در نوشتن آن‌ها از الگوهای رایج و گاه واحدی پیروی شده است (راشد محصل ۱۳۹۰: ۷۴).

مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتیبه دوره هخامنشی سنگ‌نوشته بزرگ و سه‌زبانه (فارسی باستان، ایلامی و بابلی) داریوش اول بر کوه بیستون (DB) است. داریوش اول پس از غلبه بر گئوماته و تکیه بر تخت شاهی و پس از سرکوب چندین شورش بزرگ و کوچک در مناطق مختلف شاهنشاهی در نخستین سال پادشاهی‌اش، تصمیم گرفت که شرح این وقایع را بر کوه بیستون بنویسند تا یادگاری برای آیندگان باشد. داریوش در این کتیبه پس از معرفی خود و پدرانش، به معرفی استان‌های شاهنشاهی‌اش می‌پردازد، آنگاه چگونگی دستیابی‌اش را به تخت پادشاهی بیان می‌کند و به شرح شورش‌هایی می‌پردازد که سرکوب کرده است (رضایی باغبیدی ۱۳۹۹: ۳۸). یکی دیگر از کتیبه‌های مهم به زبان فارسی باستان کتیبه خشایارشا است که در تخت جمشید یافت شده و به کتیبه «دیوان» معروف است. در این سنگ‌نوشته، خشایارشا پس از ذکر نام آهورمزدا و نسب خود و سرزمین‌هایی که بر آنها فرمانروایی می‌کند، به ویرانی معابد دیوپرستان و فرمان منع پرستش دیوان اشاره می‌کند. فارسی باستان از دوره اردشیر اول به بعد به تدریج متحول شد و زمینه پیدایی فارسی میانه فراهم آمد. به باور پژوهشگران، دیگر زبان‌های ایرانی باستان همچون مادی و سکایی در این دوره رواج داشته که البته سند مکتوبی از آنها امروزه در دست نیست. از زبان مادی تنها چند واژه که بیشتر اسامی خاص، قبایل و مکان‌ها هستند برجای مانده است. از زبان سکایی نیز شاید بتوان گفت تعدادی واژه در کتیبه داریوش مشاهده می‌شود.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زبان‌های ایرانی میانه غربی شامل پارتی یا پهلوی اشکانی و فارسی میانه یا پهلوی ساسانی می‌شود. پهلوی منسوب به پهلوی است و این واژه از صورت ایرانی باستان پَرَثَوَه (parθava-) آمده است که در اصل به سرزمین پارت گفته می‌شد و منسوب به آن در زبان فارسی میانه پهلویگ یا پهلوانیگ است. فارسی یا پارسی منسوب به پارس مشتق از صورت ایرانی باستان پارسَه (pārsa-) می‌باشد که نام سرزمین فارس است و منسوب به آن در زبان فارسی میانه پارسیگ است. در سنگ‌نوشته‌های پارسی باستان این زبان پارسه و در متن‌های فارسی میانه پارسیگ نام دارد که هر دو معادل پارسی (فارسی) است. بنابراین، از نظر اشتقاق، پهلوی به معنی زبان پارتی است و نه فارسی، ولی از دیرزمان نوشته‌های زردشتیان را که به فارسی میانه است پهلوی (در عربی فهلوی) نامیده‌اند (آموزگار و تفضلی ۱۳۹۹: ۱۳).

زبان پارتی که به نام‌های پهلوی، پهلوانی و پهلوی اشکانی نیز خوانده می‌شود، از زبان‌های ایرانی میانه (شاخه شمال غربی) است. از ادبیات شفاهی دوره اشکانی اطلاعات چندانی در دست نیست. با این حال، پژوهشگران معتقدند در آن زمان نقالان و شاعران دوره گردی بودند که حماسه‌های ملی ایران را غالباً به شعر نقل می‌کردند. گروهی از این شاعران دوره گرد «گوسان» نام داشتند. کهن‌ترین آثار موجود به زبان پارتی متعلق به سده نخست پیش از میلاد است. این زبان تا حدود سده ششم میلادی زنده بود و سپس به تدریج رو به خاموشی نهاد. آخرین آثار موجود به زبان پارتی، آثار مانوی است که اکثراً به پیش از سده نهم میلادی / سوم هجری تعلق دارد. این آثار را در زمانی نوشته‌اند که پارتی زبان مرده بوده است. آثار پارتی مانوی حتی تا سده سیزدهم میلادی / هفتم هجری نیز به نگارش در می‌آمد، اما در آنها اشتباهات و گاه آمیختگی‌هایی با فارسی میانه دیده می‌شود (رضایی باغبیدی ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶).

کتیبه‌هایی بسیار کوتاه که معمولاً به زبان‌های یونانی و پارتی هستند در گرجستان یافت شده‌اند. دیگر کتیبه‌های کوتاه به زبان پارتی عبارتند از دو کتیبه کوتاه در سرپل ذهاب و نیز دو سنگ‌نوشته کوتاه در خنگ نوروزی و کتیبه‌هایی در کال‌جنگال و لاج‌مزار هر دو در نزدیکی بیرجند، که احتمالاً متعلق به نیمه اول سده سوم میلادی است. سنگ‌نوشته مشابهی نیز در پاکستان یافت شده است. کتیبه بلاش چهارم بر مجسمه هرکول در عراق یافت شده و دارای کتیبه‌ای به یونانی و ترجمه آن به پارتی است. موضوع کتیبه نبرد بلاش با مهرداد چهارم (۱۳۰-۱۴۷ م.) است که به پیروزی بلاش و فتح میشان انجامید. تاریخ کتابت آن سال ۴۶۲ سلوکی است (Morano 1990). کتیبه سنگ‌مزار خواسگ به دستور اردوان چهارم (۲۱۳-۲۲۴ م.) برای خواسگ، شهریان شوش، برپا شده و تاریخ کتابت آن سال ۴۶۲ اشکانی (۲۱۵ م.) است. آثار شهر دوراروپوس اکثراً به اوایل سده سوم میلادی تعلق دارد، یعنی زمانی که ساسانیان این شهر را در تصرف خویش داشتند. از میان این آثار می‌توان به سفالینه‌ها، دیوارنگاره‌ها و نامه‌ای بر پوست اشاره کرد.

از برخی از کتیبه‌های بازمانده از شاهان ساسانی تحریری نیز به پارتی در دست است. کتیبه اردشیر بابکان در نقش رستم، روی شانه اسب اردشیر در نقشی که او نماد شاهی را از دست اورمزد دریافت می‌کند، کتیبه کوچکی به سه زبان پهلوی، پارتی و یونانی وجود دارد. تحریر پهلوی و پارتی دارای سه سطر و تحریر یونانی دارای چهار سطر است. کتیبه شاپور اول در دره رودخانه پلوار در نزدیک آبادی حاجی‌آباد در جایی به نام غار شیخ علی یا زندان جمشید کتیبه‌ای بر صخره کوه به دو زبان پهلوی و پارتی نگاشته شده است. تحریر پهلوی دارای ۱۶ سطر و پارتی دارای ۱۴ سطر است (تفضلی ۱۳۹۸: ۸۵).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کتیبه شاپور بر دیوار ساختمان کعبه زردشت در نقش رستم کنده شده است. ساختمان کعبه به صورت مکعب است و بر سه ضلع آن به سه زبان پهلوی، پارسی و یونانی کتیبه‌هایی نگاشته شده است. تحریر پهلوی دارای ۳۵ سطر و بر دیوار شرقی، تحریر پارسی دارای ۳۰ سطر و بر دیوار غربی و تحریر یونانی دارای ۷۰ سطر و بر دیوار جنوبی نگاشته شده است. کتیبه شاپور در کعبه زردشت از چندین جهت از مهم‌ترین کتیبه‌های ساسانی است. اهمیت زبان‌شناختی آن در این است که این کتیبه منبعی قدیمی برای مطالعه زبان پهلوی و پارسی است. از نظر تاریخی شرح حوادث مهم در آن آمده است و نیز با مطالعه آن تا حدی به تشکیلات اداری و مناصب مهم این دوره پی‌می‌بریم. علاوه بر آن، ذکر تعداد بسیاری از نام‌های خاص در این کتیبه بر گنجینه نام‌های خاص ایرانی می‌افزاید (تفضلی ۱۳۹۸: ۸۶؛ نیز نک. Back 1978: 284-371).

در نقش رجب در سه کیلومتری شمال تخت جمشید نقشی از شاپور اول و همراهان او همراه با کتیبه‌ای شامل نام و عنوان و نسب شاه به سه زبان وجود دارد. تحریر پارسی و یونانی روی شانه اسب شاه و تحریر پهلوی در قسمت مسطح صخره در برابر سینه شاه کنده شده است. تحریر پهلوی ۵ سطر و تحریر پارسی ۴ سطر و تحریر یونانی ۶ سطر دارد (Back 1978: 282-283). همچنین، در نقش رستم در صحنه پیروزی شاپور اول بر والرینوس (والرین) در زیر شکم اسب شاه کتیبه‌ای یونانی در ۵ سطر دیده می‌شود. به احتمال قوی پهلوی و پارسی این کتیبه که احتمالاً روی شکم اسب شاه بوده از میان رفته است.

در خرابه‌های شهر بیشاپور در ناحیه کازرون کتیبه‌ای پیدا شده که دارای دو تحریر پهلوی و پارسی است و به دستور دبیر شاپور اول ساسانی به نام آپسا یا آفسا نگاشته شده است. تحریر پهلوی دارای ۱۶ سطر و تحریر پارسی دارای ۱۲ سطر است. افزون بر این، در پایکولی در جنوب سلیمانیه عراق نیز کتیبه‌ای متعلق به نرسه، پادشاه ساسانی (۲۹۳-۳۰۲ م.) یافت شده است. این کتیبه در اصل بر روی برجی مکعبی شکل بوده که بعداً از میان رفته و آجرهایی از آن امروزه در دست است. این کتیبه به دو زبان پارسی و پهلوی نوشته شده است (نک. Humbach & Skjaervo 1978-1983).

## ۲. بیان مسئله

فرهنگ‌نویسی در ایران پیشینه بسیار دارد که به دوره ساسانی می‌رسد. در میان آثار فارسی میانه، دو فرهنگ کوچک بازمانده است. یکی از آنها فرهنگ پهلوی نام دارد و دیگری فرهنگ /ویم/یوک. در فرهنگ پهلوی واژه‌هایی که از لحاظ املائی برای کاتبان و دبیران دشوار بوده و املاهای گوناگون واژه‌های دشوار و مبهم فارسی میانه آورده شده است. فرهنگ /ویم/وک مشتمل بر واژه‌های اوستایی و ترجمه پهلوی آنهاست (تفضلی ۱۳۷۸: ۳۲۱-۳۲۴؛ نیز نک. گشتاسب و حاجی‌پور ۱۳۹۴: ۷۷-۹۱). پس از رواج فارسی دری به عنوان زبان نوشتار از قرن سوم هجری به بعد و ظهور آثار منظوم و منثور فارسی، تدوین فرهنگ‌های فارسی نیز آغاز شد. روبینچیک<sup>۱</sup> (1991: 12) فرهنگ‌نویسی فارسی را به سه دوره متمایز تقسیم می‌کند: ۱. از آغاز تا پیش از قرن هشتم هجری قمری که فرهنگ‌های فارسی در ایران و آسیای میانه تالیف شدند. ۲. قرن هشتم تا چهاردهم هجری قمری که فرهنگ‌نویسی فارسی در هند سخت رواج یافت. ۳. از

<sup>1</sup> - Rubinchik

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نیمه دوم سده نوزدهم و آغاز سده بیستم که بار دیگر فرهنگ‌نویسی در داخل ایران رشد چشمگیری داشت (نک. شجاعی ۱۳۷۱: ۷۴-۸۶).

آگاهی ما از نخستین فرهنگ‌های فارسی اندک و گاه جز نامی از آنها بیش نیست، اما اخباری از یکی از کهن‌ترین فرهنگ‌های فارسی به نام فرهنگ قطران تبریزی، شاعر نامدار قرن پنجم هجری - که اینک مفقود است - به دست ما رسیده و نیز نخستین فرهنگ بازمانده (نعت فرس اسدی طوسی) تصویر نسبتاً روشنی از نخستین فرهنگ‌های فارسی در اختیار ما قرار می‌دهد. این فرهنگ‌ها اغلب به قلم فرهنگ‌نگارانی تالیف شده‌اند که اهل آن زبان نبوده‌اند، یا اهل آن زبان بوده، ولی فرهنگ خود را برای رفع مشکلات اهل آن زبان، یا صحیح‌تر سخنگویان گونه‌ی زبانی نواحی دیگر تالیف کرده‌اند. کما اینکه، در دوره‌های بعد نیز فرهنگ‌نویسی بیرون از سرزمین فارسی‌زبانان، در شبه‌قاره هند و کشور عثمانی گسترش یافت. در قرن چهارم هجری که زبان فارسی در خراسان و ماوراءالنهر بالید و شاعران بزرگی اشعار خود را بدین زبان سرودند، این زبان در نواحی دیگر ایران نیز، که اهالی آنها به گویش‌های خود سخن می‌گفتند گسترش یافت و به عنوان زبان شعری و ادبی تثبیت شد (خطیبی ۱۳۸۶: ۱۵-۱۶). البته به این نکته باید توجه داشت که فرهنگ‌نویسان در ایران، تا آن زمان، بیشتر از اشعار برای تهیه فرهنگ خود بهره می‌بردند و سنت شفاهی و گفتار در تدوین این فرهنگ‌ها نقشی نداشت. از قرن هفتم هجری به بعد با ظهور سلسله‌های اسلامی در شبه‌قاره هند، مانند غوریان، قتلغ شاهیان، گورکانیان و دیگر سلسله‌ها رواج زبان فارسی در دربار آنان و ناآشنایی هندیان به زبان فارسی، فرهنگ‌نویسی در هند را نیز رواج داد. مهم‌ترین فرهنگ‌های فارسی که در این زمان فراهم شد، فرهنگ جهانگیری و فرهنگ برهان قاطع بود.

فرهنگ‌ها را می‌توان به دو گروه عمومی و تخصصی تقسیم کرد: الف) فرهنگ‌های عمومی: مدخل‌های این نوع فرهنگ‌ها به ترتیب الفبا تنظیم می‌شود و در برابر هر مدخل تلفظ و آوانویسی و هویت دستوری و معنای کلمه می‌آید. ب) فرهنگ‌های تخصصی: این فرهنگ لغت‌ها دارای اصطلاحات فنی و تخصصی در هر یک از رشته‌های علمی است که بعد از هر مدخل توضیح و مفهوم تخصصی را به دنبال دارد. همچنین نوشتن فرهنگ به چند شکل ممکن است صورت گیرد یکی نوشتن از روی یک فرهنگ دیگر، مانند ناظم‌الاطباء، دوم استخراج لغات از متون مختلف مانند دهخدا؛ سوم گردآوری و ثبت و ضبط لغات زبان مادری.

## ۳. پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری تا کنون در زمینه زبان‌های ایرانی میانه، به ویژه فارسی میانه و اشکانی کتیبه‌ای تالیف کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین آنها ژینیو (1972)؛ بک (1978)؛ مکنزی (1971؛ 1983)؛ هنینگ (1957؛ 1963؛ 1955)؛ اشپرینگ‌لینگ (1917؛ 1936-1937a؛ 1937b؛ 1940؛ 1936) (شروو (1983a؛ 1983b؛ 1985؛ 1990؛ 1992؛ 1978-1983؛ 1985) و پژوهشگران ایرانی از جمله تفضلی (1991a؛ 1991b؛ 1994-1995)؛ اکبرزاده (۱۳۸۲؛ ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۲)؛ جعفری دهقی (۱۳۹۵) و نصرالله‌زاده (۱۳۹۸) است. البته تمامی این پژوهش‌ها دارای واژه‌نامه نیستند. با این حال، با توجه به نیاز به گردآوری همه واژه‌هایی که تا کنون در کتیبه‌ها به زبان‌های فارسی میانه و اشکانی یافت شده برای تهیه فرهنگ لغت به این پژوهش‌ها نیز می‌پردازیم.

## ۴. روش پژوهش

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

برای دستیابی به هدف این پژوهش، آثاری که در بخش پیشینه پژوهش معرفی شدند نقد و بررسی شده‌اند. سپس، با توجه به نیازهای دانشجویان و پژوهشگران در این حوزه راهکارهایی برای تهیه فرهنگ‌های نوین ارائه شده است.

## ۵. بررسی فرهنگ‌های موجود

ژینیو (Gignoux) (1972) مهم‌ترین و مفصل‌ترین واژه‌نامه را برای کتیبه‌های فارسی میانه و اشکانی فراهم کرده است. او پژوهش درباره کتیبه‌های فارسی میانه را از سالها پیش از چاپ این اثر آغاز کرده بود. ژینیو تحصیلات متوسطه خود را در کالج دومینیکن در نزدیکی لیون گذراند و سپس به تدریس پرداخت. او از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۵ میلادی در کردستان عراق ساکن شد و به پژوهش پرداخت. از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۰ میلادی خزانه‌دار و سپس رئیس انجمن ایران‌شناسی<sup>۲</sup> در پاریس بود. *واژه‌نامه کتیبه‌های پهلوی و پارتی* نوشته فیلیپ ژینیو دو بخش دارد: *واژه‌نامه کتیبه‌های پهلوی (فارسی میانه)* و *واژه‌نامه کتیبه‌های پارتی*. بخش کتیبه‌های پهلوی واژه‌های مربوط به کتیبه‌های سلطنتی، یادبودی و سنگ‌مزارها را شامل می‌شود. همچنین واژه‌های مربوط به کتیبه‌های متأخر به خط پهلوی کتابی نیز در این بخش آمده است. واژه‌های مربوط به فلز نوشته‌ها، چرم‌نوشته‌ها، سکه‌ها و مهرها در این پژوهش در نظر گرفته نشده است. در بخش دوم واژه‌نامه یعنی بخش مربوط به واژه‌های پارتی، آثار نسا، دوراوپوس و بنچاق اورامان افزون بر کتیبه‌ها بررسی شده است. واژه‌های آثار نسا از پژوهش‌های لیوشیتز (Livshits) و دیاکونف (Diakonov) برگرفته شده است. ژینیو در آغاز کتاب‌شناسی هریک از کتیبه‌ها را جداگانه آورده است. سپس، برای هر مدخل واژه پهلوی یا پارتی، سپس واج‌نگاری کلمه، معنی آن به زبان فرانسوی و معادل آن در زبان دیگر (پارتی، فارسی میانه یا یونانی چنانچه موجود بوده) آورده است. اگرچه اثر ژینیو در زمان تالیف بسیار ارزشمند و بی‌نظیر بوده اما امروز برخی موارد همچون ذکر نشدن صورت (معادل) یونانی واژه‌ها، عدم ذکر مدخل افعال به صورت مصدری، اشتباه در واج‌نویسی و برگردان اشتباه برخی واژه‌ها از ایرادات این اثر بزرگ به شمار می‌رود. مثلاً برای فعل کردن (kardan) به معنی انجام دادن، مدخل‌های kard، kunē، kunēnd، kunam، kunān و kunēd ذکر شده (Gignoux 1972: 19) و مصدر فعل (kardan) به عنوان مدخل در جای دیگر واژه‌نامه و به صورت غیرهزوارشی آمده است (ibid: 25,26). بنابراین، یک مشکل این واژه‌نامه این است که صورت‌های صرفی ذیل ماده ظاهر نشده‌اند و اگر خواننده به دنبال یک صورت صرفی خاص باشد یا بخواهد بداند از یک فعل خاص چه صرف‌هایی در کتیبه‌ها آمده به نتیجه‌ای نمی‌رسد.

بک (Back 1978) در مجلد ۱۸ از مجموعه آکتا ایرانیکا (Acta Iranica) به کتیبه‌های پهلوی و دستور زبان پهلوی کتیبه‌ای پرداخته است. این اثر به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود؛ خط و آواشناسی پهلوی کتیبه‌ای، بررسی ریشه‌شناختی کتیبه‌های پهلوی و تصاویر کتیبه‌ها. او در آغاز به چارچوب تاریخی و زبانی کتیبه‌ها پرداخته و سپس درباره مرحله گذار از زبان فارسی باستان به فارسی میانه پرداخته است. بک نمایه‌ای از واژه‌های کتیبه‌ها به همراه ریشه‌شناسی آنها و فهرستی از هزوارش‌ها را در فارسی میانه کتیبه‌ای در این اثر آورده است. در فهرست هزوارش‌ها، معادل‌های یونانی نیز در صورت وجود ارائه شده و این امر از مزایای واژه‌نامه بک به شمار می‌آید و پژوهشگران را در مسیر مقایسه معادل‌های پهلوی و یونانی یاری می‌رساند.

<sup>2</sup> - l'Association pour l'avancement des études iraniennes

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مکنزی (MacKenzie) شاگرد هنینگ بود و در آثاری که منتشر می‌کرد از دقت بی‌همانندی برخوردار بود. اگرچه بیشتر پژوهشگران او را با فرهنگ کوچک زبان پهلوی می‌شناسند، او در زمینه کتیبه‌های فارسی میانه نیز پژوهش‌هایی انجام داد. مکنزی در سال ۱۹۸۹ چهار کتیبه کرتیر را بازخوانی و آنها را در کنار یکدیگر منتشر کرد تا خوانندگان بتوانند آنها را با هم مقایسه کنند. او به فاصله میان حروف در کتیبه توجه بسیار داشت که کمک شایانی به بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده کتیبه‌ها می‌کرد. او همچنین نقد اساسی بر کتاب بک با عنوان *کتیبه‌های دولتی ساسانی*<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۳ نوشت (MacKenzie: 1983). مکنزی در این نقد، با پافشاری بر محدودیت‌های املاهای فارسی میانه، موضعی کاملاً مخالف با بک اتخاذ کرد. او در سال ۱۹۹۳ به خوانش کتیبه برم دلك در نصرآباد پرداخت و نظر شروو را درباره خوانش این کتیبه مردود شمرد (MacKenzie: 1994 [1993]).

هنینگ (Henning) را می‌توان بدون شک یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران ایران‌شناسی در سده بیستم میلادی برشمرد. او شاگرد آندریاس (Andreas) بود و دکتری خود را در سال ۱۹۳۰ میلادی دریافت کرد. موضوع رساله او «ساخت فعل در متون فارسی میانه ترفانی» بود. یکی از تاثیرگذارترین اقدامات هنینگ درباره زبان‌های ایرانی میانه، تغییر شیوه حرف‌نویسی از الفبای عبری به لاتین بود. استفاده از الفبای عبری را برای حرف‌نویسی نوشته‌های ایرانی ترفان پیش‌تر زالمان (Salemman) پیشنهاد داده بود. اگرچه بیشتر پژوهش‌های هنینگ درباره نوشته‌های فارسی میانه تورفانی و سغدی مانوی بود، او به مطالعه کتیبه‌های فارسی میانه نیز پرداخت. هنینگ در سال ۱۹۵۰ میلادی به ایران آمد و از بسیاری از کتیبه‌های فارسی میانه عکس برداری کرد. بر اساس همین عکس‌ها توانست پژوهش‌های دقیقی درباره کتیبه‌های فارسی میانه همچون کتیبه کرتیر در سرمشهد و نقش رستم منتشر کند. افزون بر این، از اقدامات مهم هنینگ بنیانگذاری انجمن بین‌المللی *Corpus Inscriptionum Iranicarum* در سال ۱۹۵۴ میلادی در لندن بود که هدف آن گردآوری و انتشار اسناد و کتیبه‌های ایرانی بود. هنینگ خود نخستین رئیس و مدیر این انجمن بود و تا پایان عمرش در این سمت باقی ماند. او پژوهش‌های خود درباره کتیبه‌های فارسی میانه را در مجموعه انتشارات این انجمن در سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۷ میلادی منتشر کرد (Henning 1955; 1957; 1963). او قبلاً در مقاله‌ای کتیبه شاپور اول را خوانده بود (1939) و در آن زمان تنها نمونه فارسی میانه این کتیبه در دست بود. او به پرسش‌هایی از قبیل اینکه کتیبه به فرمان چه کسی نوشته شده و تاریخ نگارش آن چه زمانی است پاسخ داده است. همچنین پژوهش مذکور از لحاظ جاینامها و اسامی خاص درخور توجه است (نک. Henning 1954a: 40-54). خوانش هنینگ از کتیبه فیروزآباد نیز که چندین سال زمان لازم داشت درخور توجه است (Henning 1954b: 98-102). پیش از او هرتسفلد و گریشمن معتقد بودند که این کتیبه متعلق به ابرسام وزیر اردشیر بابکان است اما هنینگ پس از بررسی دقیق آن را متعلق به مهرنرسه دانست.

اشپرینگ‌لینگ (Sprengling) استاد ممتاز زبان‌های سامی دانشگاه شیکاگو بود. آثار او شامل «پاپیروس نوشته‌های آرامی الفانتین» (1917)؛ «یک کتیبه تازه پهلوی» (1936-1937a)؛ «کتیبه کعبه زردشت» (1937b)؛ «کتیبه شاپور اول در کعبه زردشت» (1940) و دیگر آثار می‌شود. پس از کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران توسط باستان‌شناسان موسسه شرق‌شناسی شیکاگو در دو سده نوزدهم و بیستم میلادی، آثار فراوانی به دست آمد و اشپرینگ‌لینگ و دیگر پژوهشگران زبان‌شناسی تاریخی به مطالعه این آثار پرداختند. هرتسفلد خود بخشی از این مطالعات را بر عهده داشت. اشمیت نیز سهم مهمی در خوانش آثار به دست آمده بر عهده گرفت. اشپرینگ‌لینگ نیز

<sup>3</sup> - Die Sassanidischen Staatsinschriften

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گزارش‌های مفصلی از کتیبه کر تیر و کتیبه شاپور در کعبه زردشت ارائه کرد (1936). پس از جنگ جهانی دوم و تغییر ریاست موسسه شرق‌شناسی شیکاگو، انتشار گزارش‌های کاوش‌ها همچنان ادامه یافت. با این حال، اشپرینگ‌لینگ در سال ۱۹۴۰ میلادی از سردبیری مجله *زبان‌ها و ادبیات سامی* (*Journal of Semitic Languages and Literature*) استعفا داد و تنها یک گزارش دیگر را به صورت غیر رسمی (خارج از مجموعه انتشارات موسسه شرق‌شناسی) منتشر کرد (Stolper: 2013).

شروو (Skjaervo) از پژوهشگران برجسته مطالعات ایرانی که پژوهش‌های بسیاری درباره زبانهای ایرانی انجام داده است. درباره پژوهش‌های او درباره کتیبه‌های فارسی میانه مشخصاً می‌توان موارد زیر را نام برد: ترجمه او از کتیبه کر تیر (1983a)، مقاله‌ای درباره حالت در فارسی میانه و اشکانی کتیبه‌ای (1983b)، پژوهشی درباره مقایسه ساختاری و زبانی کتیبه‌های فارسی باستان و فارسی میانه (1985)، درباره رونوشتی از کتیبه حاجی‌آباد در مجموعه بابل دانشگاه ییل (1990)، کتیبه اَبَنون (1992) و ترجمه و توضیحات او درباره کتیبه پایکولی که با همکاری هومباخ در سه جلد منتشر کرد (1978-1983). خوانش‌ها و نظرات او بدون شک در مورد فارسی میانه کتیبه‌ای همیشه راهگشای پژوهشگران بوده است. برای نمونه، پژوهش او درباره مقایسه کتیبه‌های فارسی میانه و فارسی باستان به این نتیجه رسید که در همه این کتیبه‌ها شیوه نگارش مشابهی مشاهده می‌شود و الگوی نوشتاری کتیبه‌های ایرانی باستان و میانه یکسان هستند (Skjaervo 1985: 593-603).

برخی پژوهشگران ایرانی نیز به کتیبه‌های فارسی میانه پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به پژوهشگران زیر اشاره کرد:

تفضلی در چندین مقاله به بررسی کتیبه‌های فارسی میانه پرداخته است. این مقاله‌ها با وجود گذشت زمانی چند از انتشارشان، همچنان راهنمای مناسبی برای پژوهشگران این حوزه به شمار می‌آیند. از جمله این مقاله‌ها مقاله کتیبه تخت طاووس (1991a)؛ کتیبه سنگ‌مزار کازرون (1991b) و دو کتیبه سنگ‌مزار به خط پهلوی کتابی از فارس (1994-1995) است. افزون بر اینها، او در کتاب *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام* دو فصل را به کتیبه‌های اشکانی و فارسی میانه اختصاص داده است (تفضلی ۱۳۷۵).

اکبرزاده در سال ۱۳۸۲ کتاب *کتیبه‌های پهلوی اشکانی (پارتی) با طراحی گرافیکی* را منتشر کرد. در این اثر کتیبه‌ها به همراه آوانویسی و ترجمه فارسی آمده است. همچنین او در سال ۱۳۸۵ کتاب *سنگ‌نبشته‌های کر تیر موبدان* موبد را منتشر کرد. به گفته نگارنده این کار بیشتر بر پایه کتاب ژینیو (1991) و مقاله شروو (1985) نوشته شده است. اکبرزاده پس از ذکر پیشینه پژوهش درباره کتیبه‌های کر تیر به شخصیت کر تیر پرداخته و سپس کتیبه‌ها را شرح داده است. در بخش‌های بعدی کتاب نیز حرف‌نویسی و برگردان کتیبه‌ها آمده است. پژوهش دیگر اکبرزاده کتاب *کتیبه‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی)* است که با همکاری طاووسی (۱۳۸۵) نوشته است. این مجموعه دربرگیرنده حدود چهل و پنج کتیبه دوران ساسانی است که به همراه تصویر کتیبه، حرف‌نویسی و ترجمه فارسی فراهم آمده است. از مشکلات عمده آثار اکبرزاده نبود اطلاعات و توضیحات کافی درباره کتیبه‌هاست. همچنین در مواردی اشکالات در حرف‌نویسی و ترجمه کتیبه‌ها نیز مشاهده می‌شود.

عریان کتاب *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی - پارتی)* را منتشر کرده است (۱۳۸۲). این اثر چهار فصل دارد؛ دوره اشکانی، دوره ساسانی، کتیبه‌های خصوصی و کتیبه‌های سنگ‌مزار. فصل اول، دوره اشکانی شامل بنچاق اورامان؛ فصل دوم، دوره ساسانی شامل کتیبه‌های دولتی، کتیبه اردشیر یکم و هرمزد در نقش رستم، کتیبه شاپور یکم در حاجی‌آباد، کتیبه شاپور یکم در تنگ براق،



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت، کتیبه شاپور یکم در نقش رجب، کتیبه شاپور یکم در بیشاپور، کتیبه شاپور یکم در نقش رستم، کتیبه نرسی در بیشاپور، کتیبه نرسی در پایکولی، کتیبه شاپور دوم در طاق بستان، کتیبه شاپور سوم در طاق بستان، کتیبه شاپور سکانشاه در تخت جمشید، کتیبه سلوک داور، کتیبه سر پل، کتیبه کرتیر در نقش رجب، کتیبه کرتیر در کعبه زردشت، کتیبه کرتیر در نقش رستم و کتیبه مهرنرسی در فیروزآباد می‌شود. فصل سوم، کتیبه‌های خصوصی شامل کتیبه‌های تنگ خشک می‌شود. فصل چهارم، کتیبه‌های سنگ مزار شامل کتیبه اقلید و کتیبه‌های تخت طاووس. اشکال اصلی این اثر عدم ذکر توضیحات در مورد هر کتیبه، نداشتن واژه‌نامه و یادداشت، عدم تطبیق حرف‌نویسی‌ها و ترجمه‌ها در برخی موارد و غیره است. با این حال، می‌توان گفت این اثر تا حدودی یاری‌دهنده دانشجویان و پژوهشگران ایرانی است.

نصرالله‌زاده پژوهش‌های بسیاری درباره کتیبه‌های فارسی میانه و اشکانی انجام داده است. او علاوه بر مقالات متعدد، کتاب‌های کتیبه‌های پهلوی کازرون (۱۳۸۵) و کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه ساسانی و پساساسانی (۱۳۹۸) را در دو مجلد منتشر کرده است. اثر نخست دربردارنده اطلاعاتی درباره کتیبه‌های دوره ساسانی یعنی سه کتیبه دولتی، سیزده گورنوشته به انضمام کتیبه تل اسپید به همراه حرف‌نویسی، آوانویسی، ترجمه فارسی و تصویر کتیبه‌هاست. نصرالله‌زاده در مقدمه کتاب آورده که "بیشترین کتیبه‌های سنگ مزار تا کنون در اقلیم کازرون پیدا شده است که بیانگر حضور گسترده و مسلط پیروان دین زردشتی تا سالهای آغازین اسلام در این منطقه است" (نصرالله‌زاده: ۱۳۸۵). کتاب دیگر او، کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه ساسانی و پساساسانی دو جلدی است. در جلد نخست متنهای گورنوشته‌ها و یادبودی‌ها آمده است. جلد نخست دارای سه فصل است. فصل نخست تدفین در ایران باستان و گورنوشته‌ها؛ فصل دوم کتیبه‌های یادبودی و فصل سوم کتیبه‌های خصوصی پهلوی ساسانی مسیحیان ایرانی را شامل می‌شود. جلد دوم کتاب شامل تصاویر کتیبه‌هاست. کتیبه‌های خصوصی بررسی شده در این اثر حدود ۱۲۲ کتیبه است و شیوه بررسی هر کتیبه مشتمل است بر معرفی مختصر کتیبه، چگونگی پیدایی آن و سابقه پژوهش، سپس حرف‌نویسی، آوانویسی و ترجمه فارسی آورده شده است. متناسب با هر کتیبه تعلیقات زبانی و تاریخی داده شده است (نصرالله زاده ۱۳۹۸: ۱۴). این کتاب برخلاف پژوهش‌های پیشین دارای واژه‌نامه است که برای پژوهشگران و دانشجویان بسیار کاربردی است.

جعفری دهقی نیز درباره فارسی میانه کتیبه‌ای و اشکانی پژوهش‌های بسیاری انجام داده است. افزون بر مقاله‌های بسیار تالیفات او درباره کتیبه‌ها شامل راهنمای کتیبه‌های فارسی میانه (۱۳۹۵) و دیگر تالیفات می‌شود. او در این اثر در فصل اول آواشناسی و دستور زبان فارسی میانه را با توجه به کتیبه‌ها و با استفاده از مثال‌ها از کتیبه‌ها ارائه داده است. فصل دوم نیز به طبقه‌بندی کتیبه‌ها از جهت محتوا و موضوع و جایگاه آنها اختصاص داده شده است. در این فصل، نمونه‌هایی از متن‌های کتیبه‌های پهلوی ساسانی، یعنی کتیبه‌های شاهان و بزرگان، کتیبه‌های یادبود، وقفی، خصوصی و سنگ مزار ارائه شده است. در پایان، واژه‌نامه کتیبه‌های پهلوی ساسانی بر اساس پژوهشی که ژینیو انجام داده تنظیم شده است. لغات کتیبه‌هایی که پس از تالیف واژه‌نامه ژینیو کشف و قرائت شده‌اند به این بخش افزوده شده است. این اثر راهنمای مناسبی برای آموزش خط و زبان فارسی میانه کتیبه‌ای به دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های تاریخ، باستان‌شناسی، ایران‌شناسی و زبان‌های باستانی است و پژوهشگران این حوزه‌ها را نیز یاری می‌دهد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## ۶. پیشنهادها و نتیجه‌گیری

یکی از مشکلاتی که پژوهشگران زبان‌های باستانی ایران، مورخان، باستان‌شناسان و زبان‌شناسان با آن روبه‌رو هستند عدم دست‌یابی به فرهنگ‌های روزآمد زبان‌های ایرانی باستان و میانه است. بیشتر فرهنگ‌های موجود برای زبان‌های ایرانی باستان و میانه تا کنون به دست پژوهشگران غربی در دهه‌های آغازین قرن نوزدهم و بیستم میلادی فراهم شده است. همین مسئله نشان می‌دهد که پژوهشگران ایرانی کمتر به تهیه فرهنگ لغت و واژه‌نامه برای زبان‌های ایرانی باستان و میانه به زبان فارسی همت گماشته‌اند. از سوی دیگر، نقد و بررسی فرهنگ‌های موجود نیز برای زبان‌های ایرانی باستان و میانه به طور کامل صورت نگرفته است. زبان فارسی میانه اشکانی در دوره فرمانروایی اشکانیان و آغاز دوره ساسانیان در ایران آن زمان رایج بود. اسناد و کتیبه‌هایی که امروز به این زبان در دست است در شمار اسناد دست اول برای مطالعه تاریخ، فرهنگ و زبان آن دوره هستند. بنابراین، بایسته است فرهنگی مناسب و درخور با توجه به روش‌های نوین فرهنگ‌نویسی و با در نظر گرفتن پژوهش‌های نوین در زمینه خوانش و ترجمه کتیبه‌ها به زبان فارسی انجام شود. تمامی فرهنگ‌هایی که برای کتیبه‌های فارسی میانه و اشکانی تا کنون نوشته شده‌اند، در زمان نگارش بسیار مفید و کارآمد بودند. با این حال، برخی موارد که پیش‌تر در بخش نقد فرهنگ‌ها ذکر شد، لزوم تالیف فرهنگی جدید را به ویژه برای زبان فارسی میانه اشکانی نشان می‌دهد. برای نمونه، فرهنگ ژینیو (1971) که معتبرترین و کامل‌ترین فرهنگ برای کتیبه‌های فارسی میانه و اشکانی است در برخی موارد نیازمند بازنگری است. مثلاً ذکر مصدر افعال به عنوان مدخل و آوردن صورت‌های صرفی فعل در زیر آن؛ تغییر و بازنگری در برخی تعریف‌های مدخل‌ها؛ آوردن برچسب‌های دستوری کامل برای هر مدخل؛ ارائه آگاهی‌های ریشه‌شناختی در مورد واژه‌هایی که ریشه آنها مشخص است و سایر موارد.

## ۷. مراجع

اکبرزاده، داریوش و طاووسی، محمود، کتیبه‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، شامل چهل و پنج کتیبه و یادداشت، تهران: خانه فرهیختگان هنرهای سنتی و نقش هستی، ۱۳۸۵.

اکبرزاده، داریوش، سنگ‌نبشته‌های کرتیر موبدان موبد، تهران: پازینه، ۱۳۸۵.

اکبرزاده، داریوش، کتیبه‌های پهلوی اشکانی (پارتی) با طراحی گرافیکی، تهران: پازینه، ۱۳۸۲.

آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، چاپ یازدهم، تهران: معین، ۱۳۹۹.

تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن، ۱۳۹۸.

تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن، ۱۳۷۵.

جعفری دهقی، محمود، راهنمای کتیبه‌های فارسی میانه، تهران: سمت، ۱۳۹۵.

خطیبی، ابوالفضل، «فرهنگ جامع زبان فارسی، پیکره در فرهنگ‌نویسی و پیکره زبانی رایانه‌ای»، فرهنگ‌نویسی، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۸۶، صص ۴-۶۷.

راشد محصل، محمدتقی، کتیبه‌های ایران باستان، چاپ چهارم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۰.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- رضایی باغ بیدی، حسن، تاریخ زبانهای ایرانی، تهران: سمت، ۱۳۹۹.
- رضایی باغبیدی، حسن، راهنمای زبان پارسی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۸.
- شجاعی، محسن، «فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، سال ۹، شماره ۱، ۱۳۷۱، صص. ۷۴-۸۶.
- عریان، سعید، راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۲.
- گشتاسب، فرزانه و نادیا حاجی‌پور، فرهنگ اویم ایوک، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴.
- نصرت‌الله‌زاده، سیروس، کتیبه‌های پهلوی کازرون، تهران: نشر کازرونیه، ۱۳۸۵.
- نصرت‌الله‌زاده، سیروس، کتیبه‌های خصوصی ساسانی (گورنوشته، وقفی و یادبودی)، ۲ جلدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۸.

**Back, M.** *Die Sassanidischen Staatsinschriften, Studien zur Orthographie und Phonologie des Mittelpersischen der Inschriften zusammen mit einem etymologischen Index des mittelpersischen Wortgutes und einem etymologischen index des Mittelpersischen Wortgutes und einem Textcorpus der behandelten Inschriften*, Acta Iranica 18, 1978, Leiden.

**Gignoux, Ph.** *Glossaire des inscriptions pehlevies et parthes*, Corpus Inscriptionum Iranicarum, supplementary Series, vol.I, 1972, London.

**Henning, W. B.** "Notes on the Great Inscription of šāpūr 1", *Acta Iranica* 15, 1954a, pp. 415-529.

**Henning, W. B.** "The Great Inscription of šāpūr 1", *Acta Iranica* 14, 1939, pp. 601-627.

**Henning, W.B** (ed.) *The Inscription of Sar-māšhad*, *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, Volume II: Private Inscriptions of the Classical Period, Portfolio 1. 1955.

**Henning, W.B** (ed.), *The Inscription of Naqš-i Rustam*, *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, Volume II: Private Inscriptions of the Classical Period, Portfolio 2. 1957.

**Henning, W.B.** (ed.), *Minor Inscriptions of Kartūr, together with the end of Naqš-i Rustam*, *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, Volume II: Private Inscriptions of the Classical Period, Portfolio 3. 1963.

**Henning, W.B.** "The Inscription of Firuzabad, *Asia Major*, N.S 4/1, 1954b, pp.98-102.

**Humbach, H. & Skjaervo, P.O** *The Sasanian Inscription of Paikuli*, Part 1-3, 1978, 1980, 1983, Wiesbaden.

**MacKenzie, D. N.** "The Fire Altar of Happy \*Frayosh". *Bulletin of the Asia Institute*, New Series, 7, 1994 [1993], pp.105-109.

**MacKenzie, D.N.** "Review of M. Back, *Die sassanidischen Staatsinschriften*", *Acta Iranica* 18, 1983, Leiden.

**MacKenzie, D. N.** *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, Oxford University Press, 1971.

**Morano, E.** "Contributi all interpretazione della bilingue Greco-partica dell'eraclia di Seleucia", *Proceedings of the First European Conference of Iranian Studies*, Part I, Rome, 1990, pp.229-238.

**Rubinčik, Y.A.** *Leksikografija Persidskogo yazika*, Nauka, Glavnogo redaktsiya vostochnoy literature, 1991, Moskva.

**Skjaervo, P.O.** "A Copy of the Hajiabad Inscription in the Babylonian Collection, Yale", *Bulletin of the Asia Institute* 4, 1990 [1992], pp. 289-293.

**Skjaervo, P.O.** "Case in Inscriptional Middle Persian, Inscriptional Parthian and the Pahlavi Psalter", *Studia Iranica* 12, 1983b, pp. 47-62; 151-181.

**Skjaervo, P.O.** "Kirdir's Vision: Translation and Analysis", *Archaologische Mitteilungen aus Iran* 16, 1983a, pp. 269-306.

**Skjaervo, P.O.** "Thematic and Linguistic Parallels in the Achaemenian and Sasanian Inscriptions", In: *Boyce Festschrift*, II, 1985, pp. 593-603.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

- Skjaervo, P.O.** 1992, "L'inscription d'Abnūn et l'imparfait en moyen-perse", *Studia Iranica* 21, pp. 153-160.
- Sprengling, M.** "A New Pahlavi Inscription", *The American Journal of Semitic Languages and Literatures*, 53-54, 1937a, pp. 126-144.
- Sprengling, M.** "Shahpuhr I The Great on the Kaabah of Zoroaster", *The American Journal of Semitic Languages and Literatures*, 57, 1940, pp. 341-420.
- Sprengling, M.** "Zur Parsik Inschrift an der Kaaba des Zoroaster", *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, 91, 1937b, pp. 652-672.
- Sprengling, M.** *Third Century Iran, Sapor and Kartir*, Chicago: University of Chicago Press, 1953.
- Stolper, M.** "The Persian Expedition: the Past and Present of the Oriental Institute's Early Work in Iran", *Iranian Studies in America: Looking Back, Looking Ahead*, ed. Erica Ehrenberg and Frank Lewis. Eisenbrauns, for the American Institute of Iranian Studies. 2013.
- Tafazzoli, A.** "Inscription de Takht-e Tāvus IV", *Studia Iranica* 20, 1991a, p. 202.
- Tafazzoli, A.** "L'inscription funeraire de Kāzerun II (Parīšān)", *Studia Iranica* 20, 1991b, pp. 197-202.
- Tafazzoli, A.** "Two Funerary Inscriptions in Cursive Pahlavi from Fars", *Orientalia Suecanna XLIII-XLIV*, 1994-1995, pp. 177-182.